

حمله سگ های ولگرد به این مادر و دختر

سگ های ولگرد به زنی جوان و دختر ۳ ساله ای حمله کردند و تا دم مرگ رفتند.

به گزارش سایت خبری پرسون، این حادثه وحشتناک عصر روز پنجشنبه گذشته در مشکین دشت کرج، در محدوده شهرک بعثت اتفاق افتاد.

ماجرای این قرار بود که زن جوان همراه با دختر ۳ ساله اش به نام ماهور از خانه یکی از اقوامشان بیرون آمده بودند که ناگهان یک سگ ولگرد به دخترچه حمله کرد و او را از دست مادرش قاپید. زن جوان که از این صحنه شوکه شده بود، همین که خواست دخترش را از چنگ سگ ولگرد نجات دهد، سگ دختر را چند متری با خودش کشید و همزمان چند سگ دیگر سر رسیدند و صحنه هولناکی رقم خورد.

ماهور ۳ ساله در میان چنگ و دندان سگ ها بی دفاع مانده بود و هر کدام از آنها چنگی بر بدن نحیفش می زدند. زن جوان صحنه ای را که به چشم می دید باور نداشت. جگرگوشه اش طعمه سگ ها شده بود و کاری از او ساخته نبود. او فقط فریاد می کشید و از مردم کمک می خواست.

از قضا چند نفر هم با دیدن هجوم سگ ها به دخترچه سر رسیدند، اما تنها کارشان فقط نگاه کردن به این صحنه دلخراش بود. در این میان اما راننده یک پژو پرشیا وقتی صبحه های مادر ماهور را دید از خودرواش پیاده شد تا دخترچه را از چنگال سگ ها نجات دهد.

او با استفاده از قفل فرمان به سگ ها حمله کرد و درحالی که آنها همچنان برای آسیب زدن به دخترچه سماجت می کردند توانست ماهور را نجات دهد. این حادثه چند لحظه بیشتر طول نکشید، اما وقتی سگ ها از آنجا دور شدند، بدن دخترچه غرق در خون بود و سگ ها جراحات زیادی بر بدن او ایجاد کرده بودند. در این شرایط بود که او به بیمارستانی در کرج منتقل شد و تحت مداوا قرار گرفت.

حادثه به روایت مادر ماهور

حمله سگ های ولگرد به ماهور کوچولو و مادرش آسیب شدیدی زده و آنطور که مادر ماهور می گوید با گذشت چند روز از این حادثه دخترچه مدام کابوس می بیند و علاوه بر جراحتهایی که به بدنش وارد شده، دچار مشکلات روحی زیادی نیز شده است.

رؤیا صلاحی، مادر ماهور درباره لحظات هولناکی که از حمله سگ ها به دخترش دیده می گوید: ما از خانه مادرم در شهرک بعثت خارج شده بودیم که این اتفاق افتاد. نمی دانم چطور شد که یک سگ ولگرد بزرگ دخترم را قاپ زد. او داشت ماهور را با خودش می کشید و می برد. همان موقع ۷، ۸ تا سگ دیگر هم رسیدند و یک گله سگ روی دخترم ریخته بودند و من با دیدن این صحنه فقط جیغ می کشیدم و کمک می خواستم. آنها دختر ۳ ساله ام را مثل یک عروسک روی زمین انداخته بودند و هرکدام به او چنگ می کشید و گازش می گرفت.

نمی دانم چطور توضیح دهم، اما امیدوارم این صحنه برای هیچ مادری اتفاق نیفتد که جگرگوشه اش در معرض خطر باشد، اما کاری از او ساخته نباشد. این زن با صدای گرفته اش ادامه می دهد: چند نفر با داد و فریاد من متوجه ماجرا شدند، اما هیچ کدامشان جرأت نداشتند جلو بروند. تا اینکه یک پژو پرشیا را دیدم، خودم را جلوی آن انداختم و از راننده اش خواستم کمک کند.

او هم با قفل فرمان سراغ سگ ها رفت اما آنها باز هم ماهور را رها نمی کردند تا اینکه وقتی راننده به ناچار قفل فرمان را به طرفشان پرتاب کرد بالاخره سگ ها دخترم را رها کردند. این زن درباره وضعیت دخترش پس از حمله سگ ها می گوید: بعد از این حادثه دخترم را به خانه بردم و وقتی لباس هایش را درآوردم دیدم بدنش غرق در خون است. روی همه بدنش جای گازگرفتگی و چنگ بود. او با همان لحن کودکانه اش می گفت: مامان هاپوها منو خوردند. در این شرایط دخترم را به بیمارستان بردیم و در آنجا او را فوراً به اتاق عمل بردند. در آنجا دخترم را بیهوش کردند و زخم هایش را که عمق زیادی داشت شست و شو دادند و مجبور شدند تعداد زیادی بخیه به زخم ها بزنند.

این زن در ادامه می گوید: دخترم از آن روز تا حالا مدام کابوس می بیند و با وحشت از خواب می پرد. از ترس یک لحظه هم از من جدا نمی شود و مدام از سگ ها می گوید. شرایط روحی بدی دارد، اما هرچه بود تا حالا به خیر گذشته است چون این اتفاق می توانست بدتر از این هم باشد.

سگ ها چند مرتبه سر دخترم را به زمین کوبیدند و ممکن بود حادثه تلخ تری اتفاق بیفتد. اگر مردی که به کمک ما آمد کمی دیرتر می رسید معلوم نبود چه بلایی بر سر دخترم می آمد. اگر این سگ ها به بچه دیگری، یا زنی که باردار است حمله کند، چه کسی جوابگو خواهد بود؟ ما قصد داریم این حادثه را از طریق قانونی پیگیری کنیم. من می خواهم دخترم آخرین کودکی باشد که سگ ها در این منطقه به او حمله کرده اند و خودم هم آخرین مادری باشم که چنین صحنه وحشتناکی را به چشم دیده است.

منبع: رکنا